

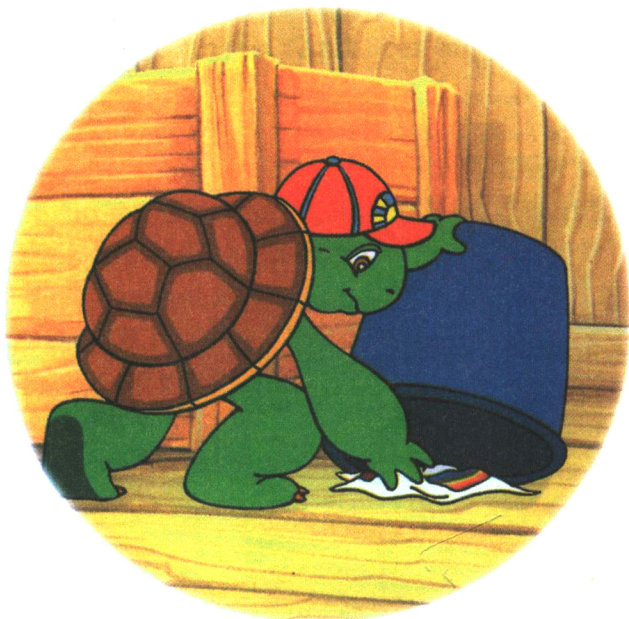
# فرانکلین معذرت می خواهد

تصویرگر: نلوانا

نویسنده: شارون جنینگز

مترجم: شهره هاشمی





فرانکلین پرچم را از محل مخفی‌اش بیرون آورد.  
روباه با تعجب گفت: «این واقعا یک چیز استثنایی است.»  
فرانکلین گفت: «خرس می‌خواهد این را بعداً به همه‌ی ما  
نشان دهد. پس باید تا آن روز این راز را پیش خودمان نگه  
داریم.»

روباه گفت: «نگران نباش من به کسی چیزی نمی‌گویم.»  
فرانکلین پرچم را سر جایش برگرداند و به روباه گفت: «بعد  
از نهار می‌بینمت. یادت باشد به کسی چیزی نگوئی.»